

مهران مدیری در این سال‌ها از کجا به کجا رسیده است

حاشیه‌های «درحاشیه» و ستاره‌ای که رنگ‌بخت



چرا در سینمای قبل از انقلاب سازندگان فیلم‌های ایرانی فقط به زندگی لپن‌ها می‌پرداختند و به دیگر اقشار جامعه توجه‌نشان نمی‌دادند؟ این پرسشی تکرارشونده بود که اغلب منتقدان در آن روزگار طرح می‌کردند و پاره‌ای از فیلمسازان نیز پاسخ می‌دادند که:

ما مجاز نیستیم که با اقشار با هویت جامعه‌پردازیم چراکه هر یک از این اقشار صنف و سندیکا دارند و اگر در فیلمی مورد انتقاد قرار بگیرند، اعتراض می‌کنند و جلوی کار ما را می‌گیرند. اما لپن‌ها صنف و سندیکا ندارند و در جامعه به رسمیت شناخته نمی‌شوند و در صورت اعتراض راه به جایی نمی‌برند و اعتراض‌شان گوش شنوایی پیدا نمی‌کند.

با این‌تعبیر این فکط ممیزی دولتی نبود که باعث محدودیت مضمونی فیلم‌های ایرانی می‌شد، ممیزی غیررسمی و اعتراض اقشار مختلف با مجاز نیستیم که با اقشار با هویت جامعه‌پردازیم چراکه هر یک از این اقشار صنف و سندیکا دارند و اگر در فیلمی مورد انتقاد قرار بگیرند، اعتراض می‌کنند و جلوی کار ما را می‌گیرند. اما لپن‌ها صنف و سندیکا ندارند و در جامعه به رسمیت شناخته نمی‌شوند و در صورت اعتراض راه به جایی نمی‌برند و اعتراض‌شان گوش شنوایی پیدا نمی‌کند.

ما پس از شب‌های برره و مرد هزارچهره اوجی آفرید که دیگر نتوانست از آن فراتر برود. قهوه تلخ که برای نمایش خانگی ساخته شد، پرده دیگری از شب‌های ارزان و خنتی فراتر نمی‌رفت. اما در دهه‌های مدیری بسیاری از رشتی‌های اجتماعی و رفتارهای فردی و اجتماعی ناپسند از جمله تلیق و چاپلوسی، رشوه‌خواری و زورگیری، کاغذبازی و فساد اداری، خودبزرگ‌بینی و تحقیر دیگران، مورد ریشخند قرار می‌گرفتند. به همین دلیل مدیری به سرعت مرزهای فرهنگی و سیاسی و طبقاتی و مرزبندی‌های هنری و زیبایی‌شناسی را درنوردید و همچون هنرمندی ملی محبوبیت عام پیدا کرد.

اما پس از شب‌های برره و مرد هزارچهره اوجی آفرید که دیگر نتوانست از آن فراتر برود. قهوه تلخ که برای نمایش خانگی ساخته شد، پرده دیگری از شب‌های ارزان و خنتی فراتر نمی‌رفت. اما در دهه‌های مدیری بسیاری از رشتی‌های اجتماعی و رفتارهای فردی و اجتماعی ناپسند از جمله تلیق و چاپلوسی، رشوه‌خواری و زورگیری، کاغذبازی و فساد اداری، خودبزرگ‌بینی و تحقیر دیگران، مورد ریشخند قرار می‌گرفتند. به همین دلیل مدیری به سرعت مرزهای فرهنگی و سیاسی و طبقاتی و مرزبندی‌های هنری و زیبایی‌شناسی را درنوردید و همچون هنرمندی ملی محبوبیت عام پیدا کرد.

اما پس از شب‌های برره و مرد هزارچهره اوجی آفرید که دیگر نتوانست از آن فراتر برود. قهوه تلخ که برای نمایش خانگی ساخته شد، پرده دیگری از شب‌های ارزان و خنتی فراتر نمی‌رفت. اما در دهه‌های مدیری بسیاری از رشتی‌های اجتماعی و رفتارهای فردی و اجتماعی ناپسند از جمله تلیق و چاپلوسی، رشوه‌خواری و زورگیری، کاغذبازی و فساد اداری، خودبزرگ‌بینی و تحقیر دیگران، مورد ریشخند قرار می‌گرفتند. به همین دلیل مدیری به سرعت مرزهای فرهنگی و سیاسی و طبقاتی و مرزبندی‌های هنری و زیبایی‌شناسی را درنوردید و همچون هنرمندی ملی محبوبیت عام پیدا کرد.

اما پس از شب‌های برره و مرد هزارچهره اوجی آفرید که دیگر نتوانست از آن فراتر برود. قهوه تلخ که برای نمایش خانگی ساخته شد، پرده دیگری از شب‌های ارزان و خنتی فراتر نمی‌رفت. اما در دهه‌های مدیری بسیاری از رشتی‌های اجتماعی و رفتارهای فردی و اجتماعی ناپسند از جمله تلیق و چاپلوسی، رشوه‌خواری و زورگیری، کاغذبازی و فساد اداری، خودبزرگ‌بینی و تحقیر دیگران، مورد ریشخند قرار می‌گرفتند. به همین دلیل مدیری به سرعت مرزهای فرهنگی و سیاسی و طبقاتی و مرزبندی‌های هنری و زیبایی‌شناسی را درنوردید و همچون هنرمندی ملی محبوبیت عام پیدا کرد.

اما پس از شب‌های برره و مرد هزارچهره اوجی آفرید که دیگر نتوانست از آن فراتر برود. قهوه تلخ که برای نمایش خانگی ساخته شد، پرده دیگری از شب‌های ارزان و خنتی فراتر نمی‌رفت. اما در دهه‌های مدیری بسیاری از رشتی‌های اجتماعی و رفتارهای فردی و اجتماعی ناپسند از جمله تلیق و چاپلوسی، رشوه‌خواری و زورگیری، کاغذبازی و فساد اداری، خودبزرگ‌بینی و تحقیر دیگران، مورد ریشخند قرار می‌گرفتند. به همین دلیل مدیری به سرعت مرزهای فرهنگی و سیاسی و طبقاتی و مرزبندی‌های هنری و زیبایی‌شناسی را درنوردید و همچون هنرمندی ملی محبوبیت عام پیدا کرد.

اما پس از شب‌های برره و مرد هزارچهره اوجی آفرید که دیگر نتوانست از آن فراتر برود. قهوه تلخ که برای نمایش خانگی ساخته شد، پرده دیگری از شب‌های ارزان و خنتی فراتر نمی‌رفت. اما در دهه‌های مدیری بسیاری از رشتی‌های اجتماعی و رفتارهای فردی و اجتماعی ناپسند از جمله تلیق و چاپلوسی، رشوه‌خواری و زورگیری، کاغذبازی و فساد اداری، خودبزرگ‌بینی و تحقیر دیگران، مورد ریشخند قرار می‌گرفتند. به همین دلیل مدیری به سرعت مرزهای فرهنگی و سیاسی و طبقاتی و مرزبندی‌های هنری و زیبایی‌شناسی را درنوردید و همچون هنرمندی ملی محبوبیت عام پیدا کرد.

سینما



«قصه‌ها» همچنان در محاق

#

گروه ادب و هنر از حالی که پیمان معادی و باران کوثری چند روز پیش خبر داده بودند که به احتمال زیاد فیلم «قصه‌ها» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد از چهارشنبه این هفته اکران خواهد شد، باز هم اکران این فیلم به تأخیر افتاد تا همچنان نمایش فیلم برنده شیر طلایی بهترین فیلمنامه جشنواره ونیز در هاله‌ای از ابهام قرار بگیرد. تهیه‌کننده این فیلم درخواست پروانه نمایش به شورای صنفی نمایش داده بود.با این حال دیروز غلامرضا فرجی گفته است: «هیچ صحبتی پیرامون ثبت قرار داد فیلم‌های «قصه‌ها» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد، «خانه دختر» به کارگردانی شهرام شاه‌سینی، «نهنگ عتبر» به کارگردانی سامان مقدم و «در دنیای تو ساعت چند است؟» به کارگردانی سغی یزدانیان نشده است.»

نگاه نقد

دو یادداشت درباره سینما

فیلمی پر هیجان، کتابی خواندنی



امیرعلی نصیری

مدرس دانشگاه

تصویر کشیده شده است. فیلم توانست پنج سیمرغ بلورین از جمله برای بهترین فیلم، کارگردانی و فیلم از نگاه تماشاگران را از سی و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر از آن خود کند. آخرین ساخته ابوالحسن داودی پس از شش سال دوری از سینما یک فیلم کلاسیک و داستان‌گو است؛ با فیلمنامه‌ای غافلگیرکننده که در انتها به خوبی جمع می‌شود.

ساختار روایی فیلم شبیه به «مفلوئین همیشگی» ساخته برایان سینگر (۱۹۹۵) است که پیش از این در سینمای ایران آزموده نشده بود؛ داستان از زبان راویان مختلف روایت می‌شود و در پایان متوجه می‌شویم که هیچ کدام از آنها صحت ندارد. در اینجا امیر جدیدی (مسعود) نقش کوین اسپیسلی (وربال کنت) را برعهده گرفته است. از میان بازیگران فیلم، می‌خواهم تمرکز ویژه‌ای روی سه نفر کنم؛ یکی امیر جدیدی در نقش مسعود که با وجود عدم سابقه زیاد (به جز «سیزده» و «پایان خدمت») در فیلم می‌درخشد و یک سر و گردن بالاتر از بقیه بازیگران حرفه‌ای می‌ایستد. تعلق



(overacting) گریبانگیرش شده است. در اینکه او بازیگر خوبی است، شکی وجود ندارد، اما فعلا از بازی‌های درخشانش خبری نیست. کافی است تا «درباره الی» (اصغر فرهادی، ۱۳۸۷) و «اینجا بدون من» (بهرام توکلی، ۱۳۸۹) را به یاد بیاوریم. سرانجام ساعد سهیلی که از زیر سایه پدر بیرون آمده و می‌رود که تبدیل شود به یکی از بازیگران جوان خوب کشور. «رخ دیوانه» پیام‌های متنوعی دارد که شاید مهم‌ترین آنها تغییر نحوه ارتباط والدین با فرزندان و پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی (به‌رغم مزایای فراوان‌شان) باشد. از جلوه‌های تصویری رایجانه‌ای نیز استفاده کاربردی و هوشمندانه‌ای در خدمت فیلم شده است.

نکته دیگر اینکه فیلم در دو صحنه تداعی کننده «درباره الی» است؛ یکی جایی که بچه‌ها بعد از اینکه می‌فهمند میوایل جا مانده، «ای وای» می‌گویند و دیگری جایی که ماندانا (طناز طباطبایی) در تونل فریاد می‌کشد. «رخ دیوانه» یک فیلم پرهیجان (تریلر) و دیدنی است که با استقبال خوبی در اکران عمومی مواجه شد و به مذاق جوانان خوش آمد.

❶ «رودرو با اصغر فرهادی» در یک نگاه



نوشته اسماعیل میهن‌دوست (فیلمساز، منتقد و مدرس دانشگاه) شامل پنج گفت‌وگو با فرهادی است؛ به بهانه پنج فیلم او: گذشته (۱۳۹۱)، جدایی نادر از سیمین (۱۳۸۹)، درباره الی (۱۳۸۷)، چهارشنبه‌سوری (۱۳۸۴)، شهر زیبا (۱۳۸۲) و رقص در غبار (۱۳۸۱). در این گفت‌وگوها تلاش شده است مضامین محتوایی (فیلمنامه) و مسائل تکنیکی (کارگردانی) به دقت و با جزئیات تجزیه و تحلیل شود.

خواندن کامل این کتاب از دو جهت برایم اهمیت داشت: اولاً کتابی بود که بعد از مدت‌ها (بخوانید سال‌ها) کامل خواندم. بقیه کتاب‌ها یا حوصله‌ام را سر بردند یا چندان مفید نبودند یا فرصت نشد یا صرفاً منبع درسی بودند یا... ثانیاً همان‌گونه که نویسنده محترم در پانوشست ابتدای برخی فصل‌ها آورده‌اند، بعضی از این گفت‌وگوها یا خلاصه‌شان در زمان اکران فیلم‌ها در ماهنامه «صنعت سینما» به چاپ رسیده بودند. عجیب آنکه نکاتی از این مصاحبه‌ها را که آن موقع در مجله مذکور خوانده بودم، هنوز به خاطر داشتم. مثلاً هدیه تهرانی در پشت صحنه «چهارشنبه‌سوری» به اصغر فرهادی می‌گوید: «تو می‌خوای من رو عصبی و حسود کنی. نکن این کار رو.» (نقل به مضمون) این پیاده‌روی‌های طولانی فرهادی در ساحل هنگام ساخت «درباره الی» به نظر من رسید که چند نکته ویرایشی و پیشنهاد هم به نظرم رسید که یادداشت کردم و همان‌گونه که خود نویسنده محترم اخیراً خواسته بود، تقدیم‌شان کردم؛ مانند اضافه کردن توضیح برای عکس‌های کتاب. البته ناگفته نماند که ظاهراً میان نسخه چاپ شده و نسخه نهایی ویراستاری شده توسط نویسنده سهواً تفاوت‌هایی رخ داده که اکثر اشتباه‌های تایپی از آنجا ناشی شده است. قسمت‌هایی از کتاب برایم جالب‌تر بود که صرفاً با اتکا به حافظه و بدون مراجعه به کتاب نقل می‌کنم. شاید برای خوانندگان عزیز مفید باشد:

۱- تا قبل از «جدایی نادر از سیمین» فرهادی یا به قشر متوسط پرداخته بود یا فرودست. در «جدایی...» برای اولین بار این دو قشر رو در روی هم قرار می‌گیرند.

۲- نام فیلم «جدایی...» که برخلاف سکانس افتتاحیه باید «جدایی سیمین از نادر» باشد، نه «جدایی نادر از سیمین» و چرایی آن اهمیت دارد. شخصیت اصلی زن فیلم‌های فرهادی (باران کوثری، ترانه علیدوستی و ساره بیات) را می‌توان یک پرسوناژ در زمان و مکان‌های مختلف تصور کرد. و نشانه‌های بسیاری دیگری که در تماشای چندین باره فیلم‌های فرهادی متوجه نشدم و با مطالعه کتاب به آنها پی بردم. به همین خاطر، جالب فیلم‌ها را پشت سر هم مجدداً تماشا کنم و کتاب (یا شاید ویراست دوم آن) را دوباره بخوانم. مطالعه این کتاب را به علاقه‌مندان سینمای اصغر فرهادی توصیه می‌کنم. برای استفاده بهتر از آن پیشنهاد می‌کنم که گفت‌وگوی مربوط به هر فیلم پس از تماشای همان فیلم مطالعه شود.

